

حکایت موسی و شبان

دفتر دوم مثنوی معنوی

شیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

بر اساس نسخه‌ی رینولد نیکلسون

به کوشش: راگیلکی

انتشارات آراسته قلم

تهران - ۱۳۹۷

حکایت موسی و شبان
دفتر دوم مثنوی معنوی
مولانا جلال الدین محمد بلخی
به کوشش: رزا گیلکی

ناشر: انتشارات آراسته قلم
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۴۷۸-۱-۸

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

انتشارات آراسته قلم
تهران: خیابان انقلاب، خیابان وحید نظری، پلاک ۱۰، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۴۷۹۸۵۶

سرشناسه: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۴۷۲ ق. عنوان قرارداد: مثنوی برگزیده.
عنوان و نام پدیدآور: حکایت موسی و شبان براساس نسخه رینولد نیکلسون / تالیف مولانا جلال الدین
محمد بلخی. مشخصات نشر: تهران: آراسته قلم، ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۱۴۹ ص. فروست: مثنوی
معنوی؛ دفتر دوم. شابک: ۹۷۴۷۸-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست نویسی: فیبا، موضوع: شعر
فارسی - قرن ۷ ق. شناسه افزوده: نیکلسون، رنالد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م. مصحح. شناسه افزوده:
گیلکی، رزا، ۱۳۵۹. گردآورنده: رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج ۲. PIR۵۲۹۹/آ۱. رده بندی دیویی:
۳۱/۸۶۱. شماره کتابشناسی: ۴۰۵۶۰۶۷

فهرست

۹	مقدمه
۱۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۱۵	هلال پنداشتن آن شخص خیال را در عهد عَمر
۱۵	دزدیدن ما بَیر مار را از مارگیر دیگر
۱۶	التماس کردن راه عیسی زنده کردن استخوان‌ها
۱۶	اندرز کردن صوفی خادِم در تیر داشت بهیمه
۱۸	بسته شدن تقریر معنی شکایت به سبب میل مستمع
۱۸	گمان بردن کاروانیان که بهیمه صوفی را رنجور است
۲۲	یافتن پادشاه باز را به خانه‌ی کمپیرز
۲۴	حلوا خریدن شیخ احمد خُصْرویه جهت غریمان
۲۶	ترسانیدن شخصی زاهدی را که کم جُری تا کور نشو
۲۷	تمامی قصه‌ی زنده شدن استخوان‌ها به دعای عیسی
۲۸	خاریدن روستایی در تاریکی شیر را به ظن آنکه گاوِ اوست
۲۹	فروختن صوفیان بهیمه‌ی مسافر را جهت سماع
۳۱	تعریف کردن منادیان قاضی مفلسی را گرد شهر
۳۲	شکایت کردن اهل زندان پیش وکیل قاضی از دست آن مفلس
۳۳	تتمه‌ی قصه‌ی مفلس
۳۷	مَثَل
۳۸	ملامت کردن مردم شخصی را که مادرش را گشت به تهمت
۴۰	امتحان پادشاه به آن دو غلام که نو خریده بود

- ۴۱ به راه کردن شاه یکی را از آن دو غلام و از این دیگر پرسیدن
- ۴۳ قسم غلام در صدق و وفای یار خود از طهارت ظن خود
- ۴۸ حسد کردن خشم بر غلام خاص
- ۵۳ کلوخ انداختن تشنه از سر دیوار در جوی آب
- ۵۴ فرمودن والی آن مرد را که آن خارین را که نشانده‌ای
- ۵۹ آمدن دوستان به بیمارستان جهت ذاللتون
- ۶۱ بهم که آن مریدان که ذاللتون دیوانه نشده است
- ۶۲ رجوع به حکایت ذاللتون
- ۶۲ امتحان کردن خواجگی لقمان زیرکی لقمان را
- ۶۴ ظاهر شدن فضل و نیکی تمان پیش امتحان‌کنندگان
- ۶۶ تتمه‌ی حسد آن خشم بر آن غلام خاص سلطان
- ۶۷ عکس تعظیم پیغام سلیمان در بهر س از
- ۶۸ انکار فلسفی بر قرائت اِنَّ اَصْبَحَ سَاءَکَ عَوْرًا
- ۷۱ انکار کردن موسی بر مناجات شبان
- ۷۲ عتاب کردن حق تعالی موسی را از بهر شبان
- ۷۳ وحی آمدن موسی را در عذر آن شبان
- ۷۴ پرسیدن موسی از حق تعالی سر غلبه‌ی ظالمان
- ۷۷ رنجاندن امیری خفته‌یی را که مار در دهانش رفته بود
- ۷۹ اعتماد کردن بر تملق و وفای خرس
- ۸۱ گفتن نابینایی سائل که دو کوری دارم
- ۸۱ تتمه‌ی حکایت خرس و آن ابله که بر وفای او
- ۸۲ گفتن موسی گوساله‌پرست را که آن خیال اندیشی
- ۸۳ ترک گفتن آن مرد ناصح بعد از مبالغه‌ی پند
- ۸۴ تملق کردن دیوانه جالینوس را و ترسیدن جالینوس
- ۸۵ سبب پریدن و چریدن مرغی با مرغی که جنس او نبود
- ۸۶ تتمه‌ی اعتماد آن مغرور بر تملق خرس

۸۶	رفتن مصطفی به عیادت صحابی رنجور و بیان
۸۷	وحی کردن حق تعالی به موسی که چرا به عیادت من نیامدی
۸۷	تنها کردن باغبان صوفی و فقیه علوی را از همدیگر
۸۹	رجعت به قصه‌ی مریض و عیادت پیغامبر
۸۹	گفتن شیخی ابا یزید را که کعبه منم گرد من طوافی می‌کن
۹۰	حکایت
۹۰	دانش پیغامبر که سبب رنجوری آن شخص
۹۳	در گذشتن دلچک با سید که چرا فاحشه را نکاح داد
۹۴	به حیلّت در میان آوردن سائل آن بزرگ را که خود
۹۴	حمله بردن سگ به سگداز
۹۵	خواندن محتسب مردم خراب افتاده را به زندان
۹۶	دوم بار در سخن کشیدن سائل آن بزرگ را تا
۹۸	تتمه‌ی نصیحت رسول بیمار را
۱۰۱	وصیت کردن پیغامبر مر آن بیمار را به رعایا و آموزش
۱۰۳	بیدار کردن ابلیس معاویه را که خیز و دست ببرد
۱۰۳	از خر فکندن ابلیس معاویه را و روپوش و بهانه کردن
۱۰۴	باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
۱۰۵	باز تقریر کردن معاویه با ابلیس مکر او را
۱۰۶	باز جواب گفتن ابلیس معاویه را
۱۰۷	عنف کردن معاویه با ابلیس
۱۰۷	ناآیدن معاویه به حضرت حق تعالی از ابلیس و نصرت خواستن
۱۰۷	باز تقریر ابلیس تبلیس خود را
۱۰۸	باز الحاح کردن معاویه ابلیس را
۱۰۸	شکایت قاضی از آفت قضا و جواب گفتن نایب او را
۱۰۹	به اقرار آوردن معاویه ابلیس را
۱۰۹	راست گفتن ابلیس ضمیر خود را به معاویه ۲

- ۱۱۰ فضیلت حسرت خوردن آن مخلص بر فوت نماز جماعت
- ۱۱۰ تتمه‌ی اقرار ابلیس به معاویه مکر خود را
- ۱۱۱ فوت شدن دزد به آواز دادن آن شخص صاحب‌خانه را
- ۱۱۲ قصه‌ی منافقان و مسجد ضرار ساختن ایشان
- ۱۱۳ فریقتن منافقان پیغمبر را تا به مسجد ضرارش بزنند
- ۱۱۴ اندیشیدن یکی از صحابه به انکار که رسول
- ۱۱۵ قصه‌ی آن شخص که اشتر ضالّه‌ی خود می‌جست و می‌پرسید
- ۱۱۶ مردّد شدن میان مذهب‌های مخالف و بیرون شدن
- ۱۱۶ امتحان در چیزی که ظاهر شود خیر و شری که در وی است
- ۱۱۷ شرح فایده‌ی حکایت آن شخص شتر جوینده
- ۱۱۹ بیان آنکه در هر نامه‌ی سجد ضرار هست
- ۱۱۹ حکایت هندو که با یار خود جفا می‌کرد بر کاری و خبر
- ۱۲۰ قصد کردن غزان به کشتن یک مرد تا آن دگر نرسد
- ۱۲۱ بیان حال خودپرستان و ناشکران در نزد وجود انبیا و اولیا
- ۱۲۲ شکایت گفتن پیرمردی به طبیب از رنجوری‌ها و جواب گفتن
- ۱۲۳ قصه‌ی جوحی و آن کودک که پیش جنازه‌ی پدر خریش
- ۱۲۴ ترسیدن کودک از آن شخص صاحب جثه و گفتن آن
- ۱۲۵ قصه‌ی تیراندازی و ترسیدن او از سواری که در
- ۱۲۵ قصه‌ی اعرابی و ریگ در جوال کردن و ملامت کردن آن
- ۱۲۶ کرامات ابراهیم ادهم قدس الله روحه العزیز بر لب دریا
- ۱۲۷ آغاز منور شدن عارف به نور غیب‌بین
- ۱۳۰ طعنه زدن بیگانه‌یی در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ او را
- ۱۳۱ بقیه‌ی قصه‌ی ابراهیم بر لب آن دریا
- ۱۳۲ دعوی کردن آن شخص که خدای تعالی مرا نمی‌گیرد به گناه
- ۱۳۳ بقیه‌ی قصه‌ی طعنه زدن آن مرد بیگانه در شیخ
- ۱۳۴ گفتن عایشه مصطفی را که تو بی‌مصلّا به هر جا

- ۱۳۵ کشیدن موش مهارِ شتر را و معجب شدن موش در خود
- ۱۳۶ کرامات آن درویش که در کشتی متهمش کردند
- ۱۳۷ تشنیه صوفیان بر آن صوفی که پیش شیخ بسیار می‌گوید
- ۱۳۸ عذر گفتن فقیر به شیخ
- ۱۴۰ بیان دعوی‌یی که عین آن دعوی گواه صدق خویش است
- ۱۴۱ سجده کردن یحیی در شکم مادر مسیح را
- ۱۴۱ اشکال آوردن بر این قصه
- ۱۴۱ جواب اشکال
- ۱۴۲ سخن گفتن در برابر حال و فهم کردن آن
- ۱۴۲ پذیرا آمدن سخن عقل در دل باطلان
- ۱۴۲ جستن آن درخت که هر که بیهی آن درخت خورد نمیرد
- ۱۴۳ شرح کردن شیخ ستر از درخت آن طالب مقلد
- ۱۴۴ منازعت چهار کس جهت اندوز که هر یک به نام
- ۱۴۵ برخاستن مخالفت و عداوت از میان اسرار
- ۱۴۷ قصه بطبچگان که مرغ خانگی پرورده‌شان
- ۱۴۸ حیران شدن حاجیان در کرامات آن زاهد که در

مقدمه

بیان بی‌سی از حکمت تأخیر این مجلد دوم که اگر جمعی حکمت الهی بنده را معلوم شود در فواید آن کار بنده را آن کار فرو ماند و حکمت بی‌پایان حق ادراک او را ویران کند و بدان کار نپردازد.

پس حق تعالی شسته از آن حکمت بی‌پایان مهاربینی او سازد و او را بدان کار کشد که اگر او را از آن فایده هیچ خبر نکند هیچ جنبه؛ زیرا جنباننده از بهرهای آدمیان است که از بهر آن مصلحت کنیم و اگر حکمت آن بر او فرو ریزد هم نتواند جنبیدن چنان که اگر در بینی اشتر مهار نبود نرود و اگر مهار بزرگ بود سر او خرابد و **إِلَّا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْنُومٍ**.

خداک بی‌آب کلوخ نشود و چون آب بسیار باشد هم کلوخ نشود و **السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ** به میزان دهد هر چیزی را به حساب و بی‌میزان **إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْنُومٍ** که از عالم خلق مبدل شده اند و **يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ** شده اند و **مَنْ لَمْ يَذُقْ لَمْ يَذُرْ**.

پرسید یکی که عاشقی چیست گفتم که چو من شوم عاشق

عشق محبت بی‌حساب است جهت آن گفته اند که صفت حق است به حقیقت و محبت او به بنده مجاز است **يُحِبُّهُمْ** تمام است **يُحِبُّونَهُ** کدام است.